نجومی [ˌæstrənɒmikəl] adj. نجومی

اگر چیزی نجومی باشد، آن را بسیار بزرگ است.

→ این فاصله نجومی بین کهکشان راه شیری و نزدیکترین کهکشان است.

اتم

اتم [ætəm] n. اتم

اتم کوچکترین واحد یک ماده است.

→ مولکول شامل ترکیبی از دو یا چند اتم است.

وسعت

عرض [bretθ] n. وسعت

عرض فاصله از یک طرف به طرف دیگر چیزی است.

→ گستردگی دیوار شمالی خانه بیست متر است.

دور

دور [səkʌmfərəns] n. دور

محدوده فاصله به طور کامل در اطراف یک شی دایره ای است.

→ محدوده زمین به وضوح بسیار بزرگتر از یک بیس بال است.

دنباله دار

comet [kɒmit] n. دنباله دار

یک دنباله دار یک جسم در فضا ساخته شده از یخ و سنگ با دم از گرد و غبار درخشان است.

→ دنباله دار چندین دهه طول می کشد تا مدار اطراف یک ستاره را تکمیل کند.

دهانه

Crater [Kreitər] n. دهانه

یک دهانه یک سوراخ بزرگ در سطح سیاره یا ماه است.

→ آنها می توانند به وضوح دهانه بزرگ را بر روی ماه از طریق تلسکوپ ببینند.

هلال

هلال احمر [kresənt] n. هلال

هلال احمر شکل منحنی روی صورت ماه در مراحل اولیه و اواخر آن است.

→ ده روز پیش کل ماه روشن بود، اما اکنون تنها یک هلال کوچک درخشان است.

بقایای

باقی مانده [dəbriː] n. بقایای

بقایای قطعه های کوچک پراکنده شده از چیزی خراب شده یا نابود شده است.

→ بقایای مکعب پراکنده روی زمین.

ناامیدی

ناامیدی [dispɛər] n. ناامیدی

ناامیدی از دست دادن امید کامل است.

→ پس از شرکت دیگر این حساب را به دست آورد، فروشندگان ما با ناامیدی پر شده بودند.

جاسازی کردن

جاسازی [IMBED] v. قراردادن

برای جاسازی چیزی به معنای آن است که آن را به طور قاطع در یک چیز اطراف قرار دهید.

→ Logger پس از خرد کردن چندین سیاهههای مربوط به تبر به چوب تعبیه شده است.

قطعه

قطعه [frægmənt] n. قطعه

یک قطعه بخش کوچکی از چیزی است.

→ پس از شکست نور، قطعات شیشه ای برای تمیز کردن وجود داشت.

کهکشان

کهکشان [gæləksi] n. کهکشان

یک کهکشان جمع آوری بسیار زیادی از سیستم های ستاره است.

→ سیستم خورشیدی ما در ناحیه بیرونی کهکشان ما واقع شده است.

غول پیکر

غول پیکر [dʒaigæntik] adj. غول پیکر

اگر چیزی غول پیکر باشد، آن را بسیار بزرگ است.

→ برخی از دایناسورها خیلی غول پیکر بودند که آنها اندازه ساختمان ها بودند.

غمگین کردن

gloom [gluːm] n. غمگین کردن

Gloom حالت تقریبا کاملا تاریک است.

→ در غم و اندوه صبح، قایق در دریاچه دشوار بود.

اشباع کردن

تابش [Reidieit] v. تابش

به معنای انتشار انرژی یا گرما است.

→ گرما از شومینه اشباع شده در سراسر اتاق.

رومیدن

Roam [Roum] v. Roam

به معنای رفتن به معنای حرکت بدون برنامه یا هدف.

→ تمام روز گاوها در اطراف میدان غذا خوردن چمن.

منفرد، مجد، تنها، منزوی، انفرادی

انفرادی [Sɒliteri] adj. منفرد، مجد، تنها، منزوی، انفرادی

اگر چیزی انفرادی باشد، آن را تنها یا تنها یکی است.

→ تنها چیزی که در اتاق یک صندلی انفرادی بود.

طیف

طیف [spektrəm] n. طیف

طیف طیف گسترده ای از رنگ از قرمز تا بنفش است.

→ شما می توانید کل طیف را در یک رنگین کمان ببینید.

کره

کره [sfiə: r] n. کره

یک کره یک شکل سه بعدی سه بعدی است، مانند یک توپ.

→ بالن ها به انواع مختلفی از حوزه های رنگارنگ افزایش یافت.

وضع

وضعیت [steitəs] n. وضع

وضعیت موقعیت چیزی یا کسی در رابطه با دیگران است.

→ او وضعیت هوشمندترین دختر را در کلاس به دست آورد.

صاحبخانه متبحر

صاحبخانه ای مهربان می ترسید که ساختمان آپارتمان خود را از دست بدهد. او نیاز به انجام برخی تعمیرات اجباری در ساختمان قدیمی داشت ، در غیر این صورت مستاجرانش مجبور شدند تا پایان ماه آنجا را ترک کنند. بدون اجاره کنندگان برای اجاره اتاق ها ، موجر قادر به پرداخت وام خود نیست. او ورشکسته می شود و بانک ساختمان او را می گیرد.

اما او پولی نداشت که بتواند پرسنل مورد نیاز برای تعمیرات را به کار گیرد. به نظر می رسد که او قبل از بازرسی آینده نمی خواست با کدهای شهر مطابقت داشته باشد. وی درخواست تمدید کرده بود اما از طرف شهر رد شد.

وی جلسه ای با مستاجران خود برگزار كرد و اوضاع ناخوشایند را توضیح داد. وی گفت: "اگر ساختمان از استانداردهای مناسب ایمنی و بهداشت برخوردار نباشد ،" شهر همه را اخراج خواهد كرد. "

مستاجران همه برای پیرمرد مهربان ناراحت بودند.

آرایشگری که در طبقه اول زندگی می کرد اظهار داشت: "شاید بتوانیم کمک کنیم." مستاجران دیگر نیز موافقت کردند.

یک مستاجر برای خدمات شهری کار کرده بود. او چیزهای زیادی در مورد لوله کشی می دانست ، بنابراین همینطور او کمک کرد. مستاجر دیگر نجار بود. سوراخهای کف و دیوارها را اصلاح کرد. دیگران ساختمان را از بالا به پایین تمیز می کردند تا بهداشت بیشتری داشته باشد. آنها حتی برخی از آپارتمان ها را با تخت ، کمد و صندلی جدید مبله کردند. وقتی کار آنها تمام شد ، همه مردم متفرق شدند و صاحبخانه برای استراحت به خانه رفت.

وقتی مهلت بازرسی فرا رسید ، ساختمان آپارتمان بهداشتی و ایمنی داشت. صاحبخانه باور نمی کرد. ساختمان قدیمی او اکنون به نظر می رسید یکی از شیک ترین ساختمانهای شهر است. این ساختمان از بازرسی خود گذشت و صاحبخانه و مستأجر یک مهمانی بزرگ برگزار کردند.

صاحبخانه هنگام مهمانی گفت: "بسیار ممنون از همه شما". "من هرگز نمی توانستم این کار را خودم انجام دهم. اما با همکاری هم اکنون همه ما مکان زیبایی برای زندگی داریم. "